

[سمیه خلیلی آشتیانی]

مسئله خلافت حضرت رسول اکرم ﷺ و امامت، با حیات فکری، اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی امت اسلامی رابطه‌ای استوار و تعیین‌کننده دارد. با توجه به این اهمیت و بنا به رویکردهای متفاوت کلامی به موضوع امامت، شاهد نگارش آثار متعددی در این زمینه توسط متکلمان امامیه و سایر فرقه‌های کلامی هستیم؛ سید مرتضی، متکلم بزرگ امامیه، نیز با نگارش الشافی فی الامامة، اشکالات و شبهات مطرح شده در المغنی فی ابواب التوحید والعدل، اثر قاضی عبدالجبار معتزلی، را در باب امامت پاسخ گفته است؛ این نوشته به معرفی این میراث بزرگ و گران قدر کلامی امامیه می‌پردازد.

قبل از پرداختن به کتاب، معرفی اجمالی از شخصیت سید مرتضی و خصوصاً قاضی عبدالجبار به عنوان متکلمی معتزلی در مقابل سید مرتضی، شایسته به نظر می‌رسد.

الشافی فی الامامة

نام کتاب و صحت انتساب آن

نام‌گذاری کتاب توسط شخص سید مرتضی صورت پذیرفته است. دلیل صحت این ادعا، آمدن نام این کتاب در دو کتاب دیگر سید مرتضی است که بعد از الشافی به نگارش درآمده‌اند؛ وی فصل امامت در کتاب الذخیره فی علم الکلام را این‌گونه آغاز می‌کند: «اذا و ان کتا قد آوردنا فیکتابنا الشافی فی الامامة کل ما يحتاج الیه فی

۱. دانشجوی دکترای الهیات و معارف اسلامی، گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی smh.khalili@gmail.com

هذا الفن من الكلام و...»^۱؛ ودر آنجا که از عصمت امام سخن می‌گوید، خواننده را برای مطالعه تکمیلی در این موضوع به الشافی ارجاع می‌دهد: «وقد أحکمنا هذا کله فی کتاب الشافی...»^۲؛ وی در مقدمه کتاب المقنع فی الغیبة نیز آورده است: «وإن كنت قد أودعت کتاب الشافی فی الامامة وکتابی فی تنزیه الانبیاء والائمة علیهم السلام من الكلام فی الغیبة...»^۳.

مرحوم نجاشی و شیخ طوسی هم به ترتیب در رجال^۴ و الفهرست^۵ با همین نام، این کتاب را در شمار آثار سید مرتضی ذکر می‌کنند.

شیخ آقابزرگ تهرانی هم در الذریعه در مدخل حرف شین از این اثر نام می‌برد و آن را متعلق به سید مرتضی می‌داند. وی تنها برنام کتاب، بخش دومی می‌افزاید: الشافی فی الامامة وابطال الحجج العامه.^۶

نویسندگان دیگری نیز در کتاب‌هایشان از این اثر با همین نام یاد می‌کنند و آن را متعلق به سید مرتضی می‌دانند؛ برای مثال، حدود دو قرن بعد از وفات وی، ابن ابی الحدید در شرح مشهوری که بر نهج البلاغه دارد، مواضعی از این کتاب در امامت خاصه را به نام سید مرتضی نقل و نقد می‌کند.^۷

به نظر می‌رسد عواملی مانند شیوه نگارش کتاب و سبک متفاوت سید مرتضی در پاسخ‌گویی به شبهات قاضی و قریحه ادبی و قلم دشوار وی، رفاه سید مرتضی که

۱. سید مرتضی علم الهدی، علی بن حسین، الذخیره فی علم الکلام، ۴۰۹.

۲. همان، ۴۳۳.

۳. همو، المقنع فی الغیبه، ۳۱ و ۳۲.

۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال، ۲۷۰.

۵. طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۱۶۴.

۶. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه الی التصانیف الشیعه، ۸/۱۳.

۷. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۴۱/۲ و ۳۲۸.

امکان نسخه برداری های متعدد از این کتاب را فراهم می آورده است و تلخیص شیخ طوسی از این کتاب که با فاصله کمی از نگارش آن انجام شده است، سبب حفظ کتاب از گزند نقص، تحریف و تصحیف باشد.

موضوع کتاب

سید مرتضی اشکالات و نقض هایی را که قاضی عبدالجبار در کتاب المغنی فی ابواب التوحید والعدل و در جلد بیستم آن بر عقیده امامیه در باب امامت وارد کرده، در الشافی پاسخ گفته است. وی به صورت گزینشی به اشکالات و ردیه های قاضی در مباحث امامت عامه و خاصه پاسخ داده، اما عناوین و موضوعاتی که برای پاسخگویی انتخاب نموده و به بحث کشیده است و نیز حجم کمی کتاب، گواه اهتمام او بر جامع و مانع نمودن کتابش در تمام مباحث امامت اعم از امامت عامه و خاصه دارد. این کتاب در ۲۲ فصل تنظیم شده است.

انگیزه و تاریخ نگارش کتاب

اشکالات و شبهاتی که قاضی عبدالجبار به عنوان شیخ معتزله بر عقیده امامیه در باب امامت وارد کرده است و تاختن او بر امامیه خصوصاً بر سر مسئله غیبت امام عصر علیه السلام و قرابت نگارش کتابش، المغنی، با دهه های اولیه غیبت کبرا و کانون توجه قرار گرفتن موضوع امامت و رهبری جامعه اسلامی از سوی متکلمان مسلمان و به ویژه امامیه^۱ در آن مقطع، شاید مهم ترین انگیزه برای سید مرتضی در تألیف چنین کتابی باشد.

عامل دیگری که انگیزه ساز نگارش این کتاب می تواند باشد، غلبه عقل گرایی در تحلیل مسائل کلامی در میان معتزله و امامیه است؛ و این قرابت، بعضی از تراجم

۱. در این دوره آثاری چون الامامه والتبصره، کمال الدین، الغیبه نعمانی والغیبه شیخ طوسی به نگارش درآمده اند.

نویسان چون ذهبی وابن حجر عسقلانی را به خطا انداخته است؛ چراکه ایشان سید مرتضی را در شمار معتزله ذکر می‌کنند!

ذهبی در *میزان الاعتدال* درباره او چنین آورده است: «علی بن الحسین الحسینی الشریف المرتضی المتکلم الرافضی المعتزلی ...».؛ ابن حجر نیز با عنوان «المتکلم الرافضی المعتزلی» از او یاد می‌کند.^۲

بنابراین، سید مرتضی با تألیف چنین کتابی صف خود را از معتزله جدا می‌کند و با پاسخ به اشکالات قاضی، مقایسه‌ای میان تفکر معتزلی و شیعه اثناعشری انجام داده و دیدگاه امامیه را به همگان می‌نمایاند؛ افزون بر آن، از گمان‌هایی نظیر اینکه معتزله تنها در برخی موارد جزئی با امامیه اختلاف دارند و یا اینکه این دو مذهب کلامی به یکدیگر وابسته‌اند، پرده برمی‌دارد.

از تاریخ نگارش کتاب، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ با توجه به مقدمه *المقنع فی الغیبه* و اشاره‌ای که به این کتاب در *الذخیره* خود دارد، مشخص است که الشافی قبل از این دو کتاب به نگارش درآمده است؛ اما به تاریخ اتمام یا آغاز نگارش آن اشاره‌ای نکرده است.

روش مؤلف در این کتاب

سید مرتضی، شبهات قاضی عبدالجبار را، آن‌چنان‌که خود در مقدمه کتاب اظهار نموده، به خلاف میل باطنی‌اش به اختصار پاسخ گفته است. از گفته وی برمی‌آید، آوازه *المغنی* به اورسیده بوده و یکی از آمال و اهداف سید مرتضی پاسخ به قاضی و نوشتن نقضی بر جزء امامت این کتاب به صورت مفصل بوده است؛ اما وقتی این کتاب به دستش می‌رسد، موانعی او را از رسیدن به این مقصود باز می‌دارد. بنابراین

۱. ذهبی، محمد بن احمد، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، ۱۲۴/۳.

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *لسان المیزان*، ۱۷/۵.

سید مرتضی علی رغم میل باطنی اش، به اختصارشبهات او را پاسخ گفته و کتابش را نقض کرده است.

وی در مقدمه در این باره چنین می گوید:

وقد كنت عزمتم عند وقوع هذا الكتاب فيبدي على نقض ما اختص منه
بالامامة على سبيل الاستقصاء فقطعني عن امضاء ذلك قواطع ومنعت
منه موانع كنت متوقفاً لانحسارها... .

سید مرتضی در نقل قول از المغنی نیز شیوه اختصار را در پیش گرفته است؛ وی تنها ابتدای هر شبهه و یا بخشی خاص از سخن قاضی را ذکر می کند؛ ولی در انتقال مطلب به خواننده، یا به عبارت بهتر، روشن نمودن موضع خطای سخن قاضی و شبهه ای که مقصود او بوده، موفق است.

سید مرتضی در کتابش فضای یک مناظره رودرورا برای خواننده بازسازی می کند؛ وی به گونه ای به قاضی پاسخ می دهد که مخاطب با خواندن کتاب احساس می کند قاضی در مقابل سید مرتضی بوده است. گاه برای محکم نمودن کلامش، با آوردن شبهات و اشکالاتی فرضی از سوی قاضی و پاسخ گفتن به آن، خواننده را مجاب می کند.

کارهای انجام شده در رابطه با این کتاب

قدیمی ترین نسخه چاپی کتاب، به صورت چاپ سنگی متعلق به سال ۱۳۰۱ هجری در ایران است و همان نسخه ای است که شیخ آقابزرگ تهرانی در الدررعیه از آن یاد می کند. این کتاب یک قرن به فراموشی سپرده می شود تا اینکه در سال ۱۴۱۰ هجری، مؤسسه انتشاراتی الصادق، در ۴ جلد اقدام به چاپ و نشر آن می کند که همان نسخه تصحیح شده الشافی توسط عالم جلیل القدر، سید عبدالزهراء الخطیب الحسینی، است.

این کتاب حدود ۱۷ سال تجدید چاپ نشد تا در سال ۱۳۸۴ دیگر بار همان مؤسسه دست به انتشار آن به صورت دو جلدی زد.

از الشافی سه تلخیص به دست ما رسیده است؛ تلخیص شیخ طوسی با عنوان *تلخیص الشافی*؛ و دو تلخیص دیگر با عنوان *ارتشاف الشافی من سلاف الشافی* و *صفوة الصافی من رعوة الشافی* از جناب سید بهاء‌الدین محمد بن محمد باقر الحسینی السبزواری، از علمای قرن ۱۲، که مختصرتر از تلخیص قبل هستند. مشهورترین تلخیص، همان خلاصه شیخ طوسی است که امروزه در دسترس بوده و چند ناشر هم به چاپ آن اقدام کرده‌اند.

متأسفانه این کتاب فاقد ترجمه مستقل است. شاید متن دشوار کتاب و نقل قول‌های مستقیم سید مرتضی از کتاب *المغنی* که موجب شده است دو متن ناظر به هم باشند، بر سختی ترجمه آن افزوده باشد.

غیر از یک تصحیح و سه تلخیصی که از این کتاب موجود است، پایان‌نامه‌ای نیز توسط نگارنده این نوشتار برای اخذ درجه کارشناسی ارشد با عنوان *بررسی تطبیقی ادله عقلی و نقلی امامت عامه از دیدگاه سید مرتضی در الشافی فی الامامه و قاضی عبدالجبار در المغنی فی ابواب التوحید والعدل* ارائه شده است؛ این پایان‌نامه در اسفندماه سال ۱۳۹۱ با عنوان *بازکاوی ادله امامت عامه از دیدگاه سید مرتضی و قاضی عبدالجبار توسط انتشارات نبا* به زیور طبع درآمد.

در این اثر افزون بر فهرست نویسی جدید بر الشافی سعی شده با پرداختن به تمام مباحث امامت عامه و برگردان آن‌ها به زبان فارسی، توضیح نکات مبهم و کاستن از دشواری‌های آن، آوردن پیشینه موضوعات مختلف مطرح شده در کتاب از میان آراء متکلمان به نام امامیه از قرن دوم تا هشتم و نیز آراء متکلمان معتزله، خواننده با یافتن موضع امامیه و معتزله در آن موضوع، به فهم بهتری از اشکال قاضی و پاسخ سید مرتضی نائل آید.

با اینکه کتاب شافی بسیار شناخته شده است، شگفت اینجاست که کهن‌ترین

نسخه خطی آن، بر اساس فهرست دست‌نوشته‌های ایران، دنا، متعلق به ۹۸۵ ق است؛ ولی بیشترین نسخه‌های آن مربوط به سده یازدهم و دوازدهم است.^۱ این نکته، بابتی برای پژوهش نسخه‌شناسان برای یافتن نسخه‌های کهن‌ترین کتاب، می‌گشاید. همچنین باید دانست که پس از گذشت ده‌ها سال از تحقیق متن توسط مرحوم سید عبد‌الزهراء خطیب، با شناخته شدن این نسخه‌ها، جای تحقیق مجدد متن هست. افزون بر آن، عظمت و اهمیت و استواری محتوای متن، پژوهش‌های دانشگاهی بیشتری را در این باره طلب می‌کند. امید است که مراکز دانشگاهی و پژوهشی به این مهم بیشتر توجه کنند.

فهرست منابع

- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، تنقیح احمد المنزلی، تهران: مکتبة الاسلامیة.
- ابن ابی الحدید، عبد‌الحمید بن هبة الله، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: داراحیاء الکتب العربیة.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان‌المیزان، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ هـ.
- ذهبی، محمد بن احمد، میزان‌الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
- سید مرتضی علم‌الهدی، علی بن حسین، تنزیه الانبیاء، چاپ دوم، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۹ هـ.
- _____، الذخیرة فی علم‌الکلام، تحقیق: سید احمد الحسینی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱ هـ.
- _____، الشافی فی الامامة، تحقیق: سید عبد‌الزهراء الحسینی الخطیب، چاپ دوم، تهران، مؤسسه الصادق، ۱۴۱۰ هـ.
- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، تحقیق: شیخ جواد قیومی، چاپ اول، بی‌جا: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ هـ.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال، تحقیق: محمد جواد النائینی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۸ هـ.